

فاوست

(جلد اول)

یوهان ولفگانگ فون گوته

ترجمه از زبان آلمانی به فرانسوی

ژرار دو نروال

(نویسنده و شاعر فرانسوی)

ترجمه از زبان فرانسوی به فارسی

دکتر اسدالله مبشری

گوته، یوهان ولفگانگ فون، ۱۷۴۹-۱۸۳۲م
 Goethe, Johann Wolfgang von
 فاوست / یوهان ولفگانگ گوته؛ ترجمه از زبان آلمانی به فرانسوی ژرار دو نروال:
 ترجمه از زبان فرانسوی به فارسی اسدالله مبشری. - تهران، اندیشه‌سازان، ۱۳۸۲.
 ج۲

ISBN 964 - 352 - 161 - 3 (دوره)
 964 - 352 - 160 - 5 (۱.ج)
 964 - 352 - 162 - 1 (۲.ج)

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
 عنوان اصلی:
 Faust.

۱. نمایش‌نامه آلمانی - قرن ۱۸م. الف. نروال، ژرار دو، ۱۸۰۸-۱۸۵۵م.
 Nerval, Gerard de، مترجم. بید مبشری، اسدالله، ۱۳۶۹-۱۳۸۸، مترجم. ج. عنوان.

۸۳۷/۶ PT۲۱۰۷
 ف ت کف ۷۳۷۲ ۱۳۸۲

۸۳ - ۸۲۷۰

کتابخانه‌ی ملی ایران



یوهان ولفگانگ فون گوته فاوست (جلد اول)

مترجم	اسدالله مبشری
ناشر	مؤسسه‌ی فرهنگی - انتشاراتی اندیشه‌سازان
نوبت چاپ	اول، ۱۳۸۴
لیتوگرافی	طیف‌نگار
چاپ	دیداور
شمارگان	هزار نسخه
بها	دو هزار و پانصد تومان
شابک	۹۶۴ - ۳۵۲ - ۱۶۰ - ۵

کلیه‌ی حقوق برای ناشر محفوظ است.

تهران - صندوق پستی ۱۵۵۹ - ۱۳۱۴۵
 تلفن مرکز پخش ۶۴۱۴۱۴۱

یادداشت ویراستار

ترجمه‌ی بخش اول نمایش‌نامه‌ی فاوست به قلم دکتر اسدالله مبشری نخستین بار در سال ۱۳۴۵ منتشر شد. چاپ دوم این اثر که شامل ترجمه‌ی بخش دوم فاوست نیز بود، در سال ۱۳۶۵ انتشار یافت. اکنون پس از گذشت نزدیک به چهل سال از چاپ اول، و بیست سال از چاپ دوم، متن این ترجمه با اصلاحاتی چند، بار دیگر در دسترس خوانندگان علاقه‌مند قرار می‌گیرد.

انگیزه‌ی اقدام به چاپ سوم، ناشی از دو ویژگی این ترجمه است. یکی این که ترجمه‌ای است روشن و هموار که از نظر بلندی سخن، قدرت و رنگ شاعرانه‌ی آن با متن اصلی نزدیکی بسیار دارد. به علاوه این ترجمه شامل توضیحات فراوان و به تفصیل است که به منظور روشن کردن مفاهیم ادبی، فلسفی و اشارات اسطوره‌ای و تاریخی گردآوری شده و در دیباچه و تعلیقات آمده است. بدون این توضیحات، درک درام فاوست گوته و ارزش ادبی آن برای کسانی که از فرهنگ و ادب اروپایی شناختی ژرف نداشته باشند ممکن نیست.

گذشته از این دو ویژگی که ترجمه‌ی حاضر را در شمار باارزش‌ترین برگردان‌های متن‌های کلاسیک به فارسی قرار می‌دهد، باید به اهمیت تاریخی آن نیز اشاره‌ای کرد. گوته، یکی از برگزیدگان ادبیات جهان، که نامش در ردیف نخبگان فرهنگ و هنر در اذهان جای دارد، تا نیم‌قرن پیش در ایران تقریباً ناشناخته بود. این امر با توجه به علاقه و گرایش او به ادبیات فارسی و ستودن چند تن از شاعران بزرگ ایران در «دیوان غربی - شرقی» خود، عجیب می‌نماید. اما می‌دانیم، مترجمانی با تسلط کافی به دو زبان

فارسی و آلمانی و در عین حال برخورداری از قریحه‌ی شاعرانه تاکنون وجود نداشته یا اقدام به چنین کاری نکرده‌اند. به هر حال به علت این کمبود، شناساندن گسترده‌تر گوته و مهم‌ترین اثر او به فارسی‌زبانان به لحاظ تاریخی به عهده‌ی دکتر اسدالله مبشری قرار گرفت.



در مقایسه‌ی بخش اول ترجمه با متن آلمانی که ضمن ویرایش برای چاپ حاضر انجام شد، گذشته از اصلاح اشتباهات چاپی و رسم‌الخطی، تغییرات کوچکی صورت گرفت که همواره با دقت همراه بود، به طوری که به سیاق سخن و اصالت نثر مترجم خدشه‌ای وارد نیاید.

در ترجمه‌ی فاوست اول، «پیش‌پرده در تئاتر» که حاوی گفت‌وگو میان مدیر تماشاخانه، نویسنده‌ی تئاتر و یک دلقک است، در هیچ‌یک از چاپ‌های پیشین نیامده است. این پیش‌پرده از نظر موضوع ربطی به نمایش‌نامه ندارد، بلکه به نقش تئاتر و برداشت تماشاگران از تئاتر در زمان گوته مربوط می‌شود.

چنانچه در قبل اشاره شد، بخش دوم فاوست بیست سال پس از بخش اول یعنی در زمان سالمندی مترجم به زبان فارسی برگردانده شد. به نظر می‌رسد که ترجمه‌ی همه فصل‌های کتاب خارج از حوصله‌ی مترجم بوده است و به این علت بعضی از فصل‌ها را با حفظ انسجام اثر و توالی معنا خلاصه کرده است.



در این جا خود را موظف می‌دانم که از نشر اندیشه‌سازان و به‌ویژه آقای مسعود حقگو، کمال تشکر خود را ابراز کنم.

محمد مبشری

دیباجه

یوهان ولفگانگ فون گوته^۱، شاعر خلاق و نویسنده‌ی نامی و دانشمند ارجمند و سیاست‌مدار معروف آلمان (۱۸۳۲ - ۱۷۴۹)، زندگانی پرماجرایی داشته و آثار ادبی گران‌بهای بی‌نیاز از تعریف و توصیف به یادگار گذاشته است.

یکی از آثار ادبی و فلسفی او - که بین آثار ادبی جهان با فروغی کم‌نظیر می‌درخشد - «تراژدی فاوست» است که مجموعاً ۴۶۱۲ بیت دارد و در دو قسمت تنظیم شده و قسمت دوم آن دارای پنج فصل است.

گوته از سال ۱۷۶۸ به نوشتن این کتاب پرداخت و در سال ۱۸۳۲ آن را به پایان رسانید. وی در تاریخ ۱۷ مارس ۱۸۳۲ (چند روز قبل از مرگ)، به هومبولد^۲ آلمانی (۱۸۳۵ - ۱۷۶۷)، دانشمند علم ملل و نحل، نوشت: «بیش از شصت سال پیش، یعنی در بهار نوجوانی، طرح فاوست در فکرم تنظیم یافت.»

پیش از مرگ به بعضی از دوستان خویش گفته بود: «طرح فاوست، در بیستمین سال زندگانی‌ام تکمیل گردید.»

و چون کتاب «ورتر» را در سال ۱۷۷۳ نوشته، پس می‌توان گفت فاوست را نیز در همان ایام تنظیم کرده است.

در سال ۱۷۷۴ هنگامی که گوته نزد لافاتر^۱ (۱۸۰۱ - ۱۷۴۱)، فیلسوف الهی و شاعر سوئسی بود، صفحه‌ای چند از کتاب را بر او فرو خواند و در سپتامبر همان سال یکی دیگر از دوستان گوته به نام بوا^۲ در دفتر خاطرات خویش نوشت: «کتاب دکتر فاوست گوته به پایان رسیده‌است و به نظر من بزرگ‌ترین و نامی‌ترین اثر گوته خواهد بود».

درباره‌ی آثار گوته انجمن‌های بسیاری در جهان تشکیل یافته‌است و بر واژه‌ها، جمله‌ها، صحنه‌ها و مفاهیم آن شرح‌ها و تفسیرها و فقه‌النگه‌ها نوشته‌اند.

□ در آلمان و اتریش هفت انجمن؛ و در انگلستان یک انجمن برای تحقیق در آثار گوته و بررسی فاوست تشکیل شد؛ و آن انجمن‌ها بر اصطلاحات و لغات این کتاب شرح‌ها و تفسیرها نوشتند.

□ در بایگانی‌هایی که در آلمان، انگلستان، فرانسه و ایتالیا برای مطالعه در ادبیات اروپایی تشکیل شد، مدارک تحقیقاتی راجع به فاوست گوته نیز فراهم گردید.

□ سه کتاب تحقیقی در انگلستان به زبان انگلیسی و سیزده کتاب در آلمان به زبان آلمانی مستقلاً درباره‌ی فاوست گوته و تفسیر لغات و اصطلاحات آن تدوین شده‌است؛ نیز در آلمان دو تفسیر به آلمانی و در انگلستان یک تفسیر به انگلیسی راجع به فاوست نوشته‌اند.

□ شرح صحنه‌ها و فصول فاوست را در هفده کتاب به زبان آلمانی تنظیم کرده‌اند.

□ هم‌چنین ده حاشیه به آلمانی در آلمان و یک حاشیه به فرانسوی در فرانسه و سه حاشیه به انگلیسی در آمریکا و یک حاشیه در انگلستان بر فاوست نگاشته‌اند.

□ در سال ۱۹۱۱، کتابی درباره‌ی فاوست در پاریس به چاپ رسید.

□ ه. لیشنبرگر^۳ شرحی به فرانسه بر فاوست نوشت که شرح قسمت اول کتاب به سال ۱۹۲۰ در دو جلد و شرح قسمت دوم آن نیز در سال ۱۹۳۳ در دو جلد در پاریس به چاپ رسید.

۱ - Lavater

۲ - Boie

۳ - Traduction et notice de H. Lichtenberger

□ هم‌چنین شانزده کتاب تحقیقی به آلمانی بر این کتاب نوشته‌اند که به اغلب زبان‌ها ترجمه شده است.

□ در تعبیر قطعات، فصول، معانی، مفاهیم و افکار این شاه‌کار، نود و دو کتاب به آلمانی و چهارده کتاب به انگلیسی و دو کتاب به روسی و یک کتاب به زبان چکی نوشته‌اند.

□ در تفسیر قطعات و صحنه‌های قسمت اول آن، چهل و پنج کتاب به آلمانی و نه کتاب به انگلیسی نوشته شده است.

□ در توضیح قسمت دوم فاوست، هجده کتاب به آلمانی و یک کتاب به انگلیسی نگارش یافته است.

□ در تفسیر فصل اول فاوست، یازده کتاب به آلمانی و یک کتاب به انگلیسی، و در توضیح فصل دوم و سوم، سی و یک کتاب به آلمانی و شانزده کتاب به انگلیسی و راجع به فصل چهارم و پنجم آن بیست و نه کتاب به آلمانی و پنج کتاب به انگلیسی نوشته شده است.

نام بسیاری از کتاب‌های مزبور و نویسندگان و تاریخ و محل طبع آن آثار در آخر این کتاب آمده است.

○ اما ترجمه‌ی فاوست به اغلب زبان‌ها مکرر صورت گرفته است؛ از جمله در سال ۱۸۲۴ آلبرت استاپفر^۱ و قریب به آن تاریخ، م. س. اولر^۲ آن را به نثر فرانسه؛ و نیز در سال ۱۸۷۵ مارک مونیر^۳ قسمت اول آن را به شعر فرانسه ترجمه کرده‌اند.

○ در سال ۱۸۲۸ ژرار دو نروال^۴ (۱۸۵۵ - ۱۸۰۸)، نویسنده‌ی چیره‌دست و شاعر نازک‌خیال فرانسوی، ترجمه‌ی قسمت اول فاوست را منتشر ساخت و در سال ۱۸۴۰ در طبع سوم کتاب تحلیل و تجزیه‌ای از قسمت دوم فاوست انتشار داد، اما فقط فصل سوم آن را - که گوته به سال ۱۸۲۷ تحت عنوان «هلن» منتشر ساخته بود - به کمال ترجمه

Albert Stapfer - ۱
M. Saint - Aulaire - ۲
Marc - Monnier - ۳
Gerard de Nerval - ۴

کرد.

کتابی که اکنون به نظر خوانندگان می‌رسد، از متن ترجمه‌ی ژرار دو نروال ترجمه شده است که صحت ترجمه‌ی آن مورد تأیید شخص گوته بوده و قسمت دوم آن از ترجمه‌ی هانری بلاز دوبوری^۱ (۱۸۸۸ - ۱۸۱۳)، ادیب فرانسوی، است که در سال ۱۸۴۰ انجام یافته است. ژرار دو نروال با ترجمه‌ی فاوست گوته، در اروپای عصر خود معروف شد.

تئوفیل گوته^۲ در مقدمه‌ای که به سال ۱۸۶۷ بر آثار کامل ژرار دو نروال نوشته است، می‌گوید گوته به ژرار دو نروال چنین نوشت: «من هیچ وقت فاوست را بهتر از آن چه شما نوشته‌اید، مطالعه نکرده‌ام.»

مارتن کوهن^۳ در سال ۱۸۶۵ در خاطرات خویش نوشته است که از هاینریش هاینه^۴ (۱۸۵۶ - ۱۷۹۷)، شاعر آلمانی، شنیده که ادیب نام‌برده در حضور ژرار دو نروال این مطلب را از قول گوته نقل می‌کرد.

در تاریخ سوم ژانویه ۱۸۳۰، هنگامی که گوته فاوست را به ترجمانی ژرار دو نروال ورق می‌زد، گفت: «من رغبت نمی‌کنم فاوست را به زبان آلمانی مطالعه کنم؛ زیرا در این ترجمه‌ی فرانسوی همه چیز با طراوت و قدرت تنظیم شده است.»^۵

باری، هرچند این کتاب از متن ترجمه‌ی ژرار دو نروال ترجمه شده است، اما برای روشن شدن مطالب کتاب، از ترجمه‌ی منظوم مارک مونیر و نوشته‌های پرفسور تئودور فریدریش^۶ و پرفسور لوتار شایت‌هاور^۷، دو استاد فلسفه و ادبیات آلمانی - که اولی در سال ۱۹۳۳ بر «فاوست» شرحی نوشته و دومی آن را به سال ۱۹۵۹ تکمیل نموده -

۱ - Henri Blazo de Bury -

۲ - Theophile Gautier -

۳ - Martin Cohn -

۴ - Heine -

۵ - مقدمه‌ی Albert Beguin بر فاوست، چاپ Portes de France در Porrentruy -

۶ - Theoder Friedrich -

۷ - Lothar J. Scheithauer -

استفاده شده است و کوشش شده تا ترجمه عین متن فرانسه باشد مگر آن جا که متن، اصطلاح خاص اهل زبان بود؛ به طوری که ترجمه‌ی عین کلمه یا جمله در فارسی نامفهوم می‌نمود.

در این مقدمه، نخست خلاصه‌ی داستان، سپس نظری بر سابقه‌ی تاریخی افسانه‌ی فاوست و مطلبی چند در جهان‌بینی گوته و مقدمه‌ای که ژرار دو نروال بر ترجمه‌ی خود نوشته و آن‌گاه ترجمه‌ی متن فرانسه به نظر خوانندگان می‌رسد.

www.ketabonline.ir

الف - خلاصه‌ی داستان

۱ - خلاصه‌ی قسمت اول:

در آسمان، در پیشگاه رب‌الارباب، اسرافیل و میکائیل و جبرائیل، ملائک مقرب، هر یک با بیان آیتی از آیات آفرینش به نیایش خداوند می‌پردازند؛ اما ابلیس - که گوته او را مقیستوفلس^۱ نام نهاده است - بی‌ستایشی از خلقت، آدمی را موجودی شوربخت و وامانده در نابه‌سامانی‌ها توصیف می‌نماید و ادعا می‌کند که می‌تواند حتی دکتر فاوست، پرستنده‌ی حقیقی خداوند، را نیز گمراه سازد.

اما به او خطاب می‌رسد که ابلیس اگر آدمی چند هم بر انسان چیره گردد، لیکن هرگز نمی‌تواند وی را - که حامل بار امانت الهی و واجد عطایای آسمانی است - از راه بندگی خدا بگرداند.

باری، ابلیس برای گمراهی فاوست از خداوند رخصت می‌یابد و بر آن می‌شود تا آن دانشمند خداپرست را با وسوسه، اسیر دام‌های شیطانی گرداند.

دکتر فاوست - چنان‌که گوته او را تصویر نموده است - دانشمندی است وارسته و دوست‌دار بشر و پژوهنده‌ی دانش که دانش خود را در راه سعادت مردم به کار بسته، اما شکست‌ها و نابه‌سامانی‌های آدمی را طریقی دل‌خواه نجسته و رازهای طبیعت را در نیافته، نیز از گلزار محبت و عشق هرگز گلی نبویده؛ زین‌رو، جانش از زبونی در برابر دشواری‌های زندگانی متألم و دلش هم‌چنان در طلب رایحه‌ی محبت هیجان‌زده است. باری دل‌زده از دانش و بی‌نصیب از عشق، تا نهفته‌های جهان را کشف کند و دل مشوئش را سکون بخشد، به نیروی سحر و جادو متوسل می‌گردد و «ملکوت زمین» را